

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۷
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۲۰

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش های مهدوی
سال چهارم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۹۵

دیدگاه ابن عربی درباره وزیران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و نقد آن

مجتبی خانی^۱

چکیده

ابن عربی - از جمله عالمان و عرفای بنام اهل سنت - در باب ۳۶۶ از ابواب کتاب معروف خود - الفتوحات المکیة - از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و وزیران ایشان سخن گفته است. وی ابتدا به ضرورت وجود وزیر برای حضرت اشاره می کند و در ادامه، به بحث درباره تعداد و ویژگی های آن ها می پردازد. او در پایان مباحث خود، تأکید می کند وزیران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نه نفر هستند که ناگزیر باید نه ویژگی داشته باشند. اینها خلاصه مجموعه ادعاهای ابن عربی در باب وزیران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است که گاه مستند به احادیث ضعیف و گاه مستند به کشف و شهود اوست.

در این نوشتار سعی شده با روش توصیفی - تحلیلی، افزون بر طرح آرای ابن عربی در مسئله وزیران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه به نقد آرای وی در این باب بپردازیم و روایاتی از شیعه و اهل سنت در این باره را بازگو نماییم.

واژگان کلیدی

مهدویت، وزیران امام مهدی، ابن عربی، الفتوحات المکیة.

۱. پژوهشگر گروه قرآن و حدیث مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم (mojtabakhani455@gmail.com).

مقدمه

دولت کریمه امام مهدی (عج) که تمام ادیان ابراهیمی وعده تحقق آن را داده‌اند، دولتی جهانی است که اصل آن براساس سنت تاریخی تغییر میان امت‌ها به گونه کاملاً عادی و بدون اعجاز شکل می‌گیرد هر چند ممکن است اعجاز، به صورت امداد الهی در قیام ایشان باشد، همان‌طور که در نهضت‌های انبیای الهی بوده است. براساس آیات قرآن کریم هرگونه تغییر بنیادین و تبدیل سرنوشت جامعه، به دست خداوند و با اراده او محقق می‌شود و اوست که اراده‌اش در ایجاد تغییر و تحول یا ایجاد مانع بر سر راه آن، به عنوان علت تامه نقش مستقیم ایفا می‌کند (سبحانی نیا، ۱۳۸۸: ۱۶). در مشهورترین آیه در این زمینه تغییر سرنوشت یک ملت را بسته به عمل آن‌ها و منتسب به ذات مقدس خویش می‌داند و تصریح می‌کند: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (همو ۱۶-۱۷).

با توجه به نکات یاد شده، انقلاب امام مهدی (عج) نیز از قواعد سایر انقلاب‌ها و تغییرهای اجتماعی پیروی کرده و در بایسته‌های آن مشترک است.

شهید سید محمدصادق صدر (عج) شرایط شکل‌گیری آن انقلاب را وجود برنامه، رهبر و یاران می‌داند. ایشان در تبیین ضرورت وجود یاران برای امام مهدی (عج) در انقلاب جهانی‌اش می‌گوید:

دلیل و برهان بر لزوم این مطلب را بعد از ابطال دو فرض می‌توان اقامه کرد: فرض اول: این که آن رهبر واحد به تنهایی با دنیا بجنگد و به مقابله برخیزد. بطلان این نظریه واضح است؛ زیرا آن شخص هر چند توانایی جسمی و روحی داشته باشد، باز به تنهایی نخواهد توانست با تمامی دشمنان بستیزد و همه را از بین ببرد، ... فرض دوم این که این رهبر از طریق معجزه با جهانیان بجنگد که این نیز با سنت تغییر و اصل تربیت اختیاری بشر سازگار نیست. (صدر، ۱۳۸۲: ۵۰۱-۵۰۲)

از این رو ضرورت وجود وزراء در میان یاران امام مهدی (عج) از منظر عقل بعید نخواهد بود.

زندگانی ابن عربی

إِبْنِ عَرَبِي، ابو عبد الله محیی الدین محمد بن علی بن محمد بن العربی الحاتمی (۵۶۰ - ۶۳۸ ق / ۱۱۶۵ - ۱۲۴۰ م)، معروف به شیخ اکبر، اندیشمند، عارف و صوفی بزرگ جهان اسلام است. وی در مشرق، ابن عربی خوانده می‌شود تا از ابوبکر ابن العربی (د ۵۴۳ ق / ۱۱۴۸ م)، قاضی، محدث و فقیه اندلسی، متمایز گردد (بجنوردی، ۱۳۷۷: ج ۲۶۶، ۴).

ابن عربی در ۲۷ رمضان ۵۶۰ ق / ۷ اوت ۱۱۶۵ م در شهر مُرسیه، در جنوب شرقی اندلس به جهان چشم گشود. وی از دودمان عربی کهنی بود و سلسله نسب وی به حاتم طایی می‌رسد؛ چنان‌که خود «الطائی الحاتمی» را به دنبال نام خویش می‌آورد. پدرش از مردان برجسته و سرشناس مُرسیه به شمار می‌آمده است. فیلسوف مشهور ابن‌رشد (د ۵۹۵ ق / ۱۱۹۸ م) از دوستان نزدیک پدر ابن عربی بود و بنابر گزارش خود ابن عربی، ابن‌رشد از پدر او درخواست دیدار با ابن عربی را کرده بوده است (همو).

خانواده ابن عربی تا سال ۵۶۸ ق / ۱۱۷۲ م در مُرسیه به سر می‌برد. در این میان حکومت ابن‌مردنیش به وسیلهٔ موحدون برانداخته شد. خانواده ابن عربی در همان سال از مُرسیه به اشبیلیه منتقل شد. پدر او از الطاف فرمانروای جدید اندلس، ابویعقوب یوسف برخوردار گردید. وی از نزدیکان والی اشبیلیه بوده و گویا به یک منصب دولتی نیز گمارده شده بود. در اشبیلیه، ابن عربی نزد استادان نامدار به آموختن قرائات هفت‌گانه، ادبیات، حدیث و دیگر دانش‌های زمان خود پرداخت و تنی چند از استادان به وی اجازهٔ تدریس آثار خود را دادند (همو).

دربارهٔ نخستین انگیزه‌هایی که ابن عربی را به سوی عرفان و تصوف کشانده بوده است، آگاهی چندانی در دست نیست، اما می‌دانیم که در اندلس دوران نوجوانی و جوانی وی گرایش‌های عرفانی و نیز محافل شیوخ تصوف و مریدان ایشان اندک نبوده است (همو: ۲۲۷). ابن عربی، بنا به گفتهٔ خودش در سال ۵۸۰ ق / ۱۱۷۴ م به «طریقت عرفان» داخل شده بود و نخستین کسی که با وی در «طریق الله» روبه رو شد، ابوجعفر احمد عربی است که در آغاز آشنایی ابن عربی با «طریقت عرفان» به اشبیلیه آمده و ابن عربی نخستین کسی بوده که به دیدار او شتافته بوده است. ابن عربی زندگانی خود را پیش از داخل شدن به طریقت، «زمان جاهلیت» خود می‌نامد (همو).

در سال ۶۲۰ ق / ۱۲۲۳ م، ابن عربی عزم سفر به دمشق کرد و تا پایان عمر در آن جا اقامت گزید و جز برای سفری کوتاه به حلب، آن جا را ترک نکرد. وی در این شهر نسخهٔ دوم کتاب بنیادی خود *فتوحات* را - که نوشتن نسخهٔ اول آن را در ۵۹۹ ق / ۱۲۰۳ م در مکه آغاز کرده بود، در سال ۶۳۶ ق به پایان رسانید. کتاب مهم دیگر ابن عربی *فصوص الحکم* نیز در همان شهر دمشق نوشته شده بود (همو: ۲۳۰).

ابن عربی در ۲۸ ربیع الثانی ۶۳۸ ق / ۱۶ نوامبر ۱۲۴۰ م در دمشق، در خانهٔ قاضی محیی‌الدین ابن زکی در ۷۸ سالگی درگذشت و در دامنهٔ جبل قاسیون، در مقبرهٔ خانوادگی

ابن زکی به خاک سپرده شد. آرامگاه او هم اکنون نیز در دمشق، زیارتگاه است (همو).

آثار ابن عربی

ابن عربی را بی شک می توان پرکارترین عارف و صوفی مسلمان و نیز یکی از پرکارترین مؤلفان سراسر تاریخ جهان اسلام به شمار آورد. خود وی در اجازه‌ای که در سال ۶۳۲ق / ۱۲۳۴م به الملك المظفر ایوبی داده بود، از ۲۹۰ نوشته خود نام برده است. اما کامل ترین فهرستی را که تاکنون به شیوه‌ای پژوهشگرانه و انتقادی از نوشته‌های ابن عربی در دست است، در کتاب عثمان یحیی تاریخ و طبقه بندی آثار ابن عربی^۱ در دو جلد می یابیم. در آن جا عنوان بیش از هشتصد نوشته ابن عربی آمده است. اکثر این نوشته‌ها در کتابخانه‌های ترکیه و به ویژه در کتابخانه شخصی صدرالدین قونوی یافت می شود که در واقع پس از مرگ ابن عربی، نوشته‌های خود وی و کتاب‌های دیگر را دربر داشته و به صدرالدین رسیده بوده و اکنون در قونیه نگه داری می شود (همو). از مهم ترین آثار او می توان به *فصوص الحکم*، *فتوحات مکیه* و *تفسیر القرآن* اشاره کرد.

«وزیر» در لغت

وزیر در لغت از کلمه «وزر» - به کسر واو، سکون زاء و راء - به معنای سنگینی (فراهِیدی، ۱۴۰۹: ج ۷، ۳۸۰) مشتق شده است. از این رو وزیر کسی است که ثقل و سنگینی بار تدبیر حکومت را برای سلطان به دوش می کشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۸۶۸؛ فیومی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۶۵۷). از این رو وزیر در لغت معنایی وسیع دارد که شامل تمامی عمال و کارگزاران یک دولت می شود. این معنا در قرآن کریم نیز نمود دارد. قرآن کریم از قول حضرت موسی علیه السلام می فرماید: ﴿وَأَجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي﴾ (طه: ۲۹).

اما کلمه وزیر معنایی اصطلاحی نیز دارد که نزدیک به معنای عرفی آن است. از این منظر، وزیر مهم ترین مقام غیر نظامی پس از شاه در حکومت های قدیم، معادل نخست وزیر در دولت های جدید، صدر اعظم و خواجه بزرگ است (انوری، ۱۳۸۱: ۸۲۲).

ضرورت وجود وزیر برای امام از منظر ابن عربی

ابن عربی ضمن ابیاتی به ضرورت وجود وزیر برای امام مهدی علیه السلام اشاره می کند:

ان الامام الی الوزير فقیر و علیهما فلک الوجود یدور

و الملك ان لم تستقم بوجود هذين فسوف يبور
الا الاله الحق فهو منزه ما عنده فيما يريد وزير
جل الاله الحق في ملكوته عن ان يراه الخلق و هو

(ابن عربی، بی تا: ج ۳، ۳۲۷)

ابن عربی در جایی دیگر نیز به نوعی بر این ضرورت تأکید می کند:

له رجال الهیون یقیمون دعوته و ینصرونه هم الوزراء له یحملون اثقال المملكة و یعینونه
على ما قلده الله؛ (همو)

[امام مهدی علیه السلام] مردانی الهی خواهد داشت که اقامه دعوتش کرده و او را یاری کنند.
ایشان وزیران امام اند که سنگینی [اداره] مملکت را به دوش کشند و امام را در امرش یاری
بخشند.

شمار وزیران امام مهدی علیه السلام از دیدگاه ابن عربی

ابن عربی در این باره مدعی می شود که شمار وزیران امام مهدی علیه السلام کمتر از ده نفر خواهند
بود و به طور مشخص وزیران آن حضرت بین پنج تا نه نفرند^۱ (همو: ۳۲۹). وی می گوید:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فقط در مدت خلافت وی (امام مهدی علیه السلام) شک داشت؛ از پنج تا نه
سال، به دلیل شک در تعداد وزیرانش؛ زیرا هر وزیر یک سال با او می ماند. بنابراین اگر
پنج نفر باشند، پنج سال حکومت می کند و اگر هفت نفر باشند، هفت سال حکومت
می کند و اگر نه نفر باشند، نه سال حکومت می کند؛ زیرا هر سال حالت های مخصوص به
خود دارد و علم به اصلاح امور در آن سال مخصوص به یکی از وزیران اوست، آنان کمتر از
پنج نفر و بیش از نه نفر نیستند.^۲ (همو)

در جایی دیگر می گوید:

وزرای امام مهدی علیه السلام اگر بیش از یک نفر باشند، بیش از نه نفر نخواهند بود؛ چرا که
در باب مدت اقامت مهدی علیه السلام تردید رسول خدا صلی الله علیه و آله به پنج یا هفت یا نه منتهی شد.^۳
(همو: ۳۳۱)

۱. و هم جماعة اعنی وزراء المهدی دون العشرة (ابن عربی، بی تا: ج ۳، ۳۲۹).

۲. و انما شک رسول الله صلی الله علیه و آله فی مدة اقامته خلیفة من خمس الی تسع للشک الذی وقع فی وزرائه لانه لکل وزیر معه
سنة فان كانوا خمسة عاش خمسة و ان كانوا سبعة عاش سبعة و ان كانوا تسعة عاش تسعة فانه لکل علم احوال
مخصوصة و علم ما یصلح فی ذلک العام خص به وزیر من وزراءه فما هم اقل من خمسة و لا اکثر من تسعة (همو).
۳. ان كانوا اکثر من واحد فما یكونون اکثر من تسعة فانه الیها انتهى الشک من رسول الله صلی الله علیه و آله فی قوله خمساً او سبعة او
تسعة فی اقامة المهدی (همو: ۳۳۱).

این تردید ابن عربی ظاهراً مستند به روایتی ضعیف السند از ابی سعید خدری است:

عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: خَشِينَا أَنْ يَكُونَ بَعْدَ نَبِيِّنَا [فِينَا] حَدَثٌ فَسَأَلْنَا نَبِيَّ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: إِنَّ فِي أُمَّتِي الْمُهْدَى ﷺ يَخْرُجُ يَعِيشُ حَسَافاً أَوْ سَبْعاً أَوْ تِسْعاً - زَيْدُ الشَّاكُ - قَالَ: قُلْنَا: وَمَا ذَاكَ؟ قَالَ: سِنِينَ؛ (ترمذی، ۱۴۰۳: ج ۳، ۳۴۳)

از ابی سعید خدری نقل شده که گفت: ما ترسیدیم بعد از پیامبر ﷺ [درباره ما] اتفاقی بیفتد. از پیامبر گرامی اسلام ﷺ [در این باره] سؤال کردیم، فرمود: همانا درامت من مهدی است. [او] خروج می‌کند و پنج یا هفت یا نه زندگی می‌کند (تردید از جانب زید [راوی زید ابا الجواری] است) می‌گوید: گفتیم: و آن چیست؟ فرمود: سال.

اما ابن عربی در ادامه تأکید می‌کند که تعداد وزیران امام مهدی ﷺ نه نفر است و او این نکته را از عنایات الهی و به نوعی از راه کشف و شهود دریافت کرده است:

بدان که من در مدت اقامت این مهدی شک دارم. همانا من تا کنون تحقیق و تعیین آن و تعیین هیچ حادثه‌ای از حوادث جهان را از خداوند درخواست نکردم، مگر آن که خداوند بدون درخواست آن را به من آموخت ... و چون عقیده داشتم که وقتم را در غیر علم به خدا سپری نکنم و با این اعتقاد به حق همنشینی کردم، خداوند یکی از اهل الله و خواص خود را به نام احمد بن عقاب که از کودکی او را به اهل بیت خود اختصاص داده است مقدر کرد که بدون درخواست و سؤال من درباره این وزیران لب به سخن گشود و به من گفت: آن‌ها نه نفرند.^۱ (همو، ۳۳۱-۳۳۲)

نظرایشان از جهاتی دارای مناقشه و خدشه است:

۱. بنابر نقل عبدالعظیم بستوی این روایت از دو طریق نقل شده است و هر دو اسناد ضعیف بوده و قابل اعتماد نیست (بستوی، ۱۴۲۰: ب: ۶۸-۷۰).

۲. به نظر می‌رسد این روایت همان روایت ابی سعید خدری درباره هفت سال است و تردید - چنان که در متن روایت آمده است: زید الشاک - از جانب زید ابوالجواری است (ورمزیر، ۱۳۹۲: ۳۵) نه از رسول خدا ﷺ.

۳. وجود روایات معارض پرشمار در این باب که از آن‌ها با عنوان روایات تردید در باب

۱. فاعلم انی علی الشک من مدة اقامة هذا المهدی اماما فی هذه الدنيا فانی ما طلبت من الله تحقیق ذلک ولا تعیینه ولا تعیین حادث من حوادث الاکوان الا ان يعلمنی الله به ابتداء لا من طلب ... ولما کنت علی هذه القدم التي جالست الحق علیها ان لا اضیع زمانی فی غیر علمی به تعالی فیض الله واحدا من اهل الله تعالی و خاصته یقال له احمد بن عقاب اختصه الله بالاهلیه صغیرا فوقع منه ابتداء ذکر هؤلاء الوزراء فقال لی هی تسعة (همو: ۳۳۱-۳۳۲).

روایات مدت حکومت امام مهدی علیه السلام یاد شده است (همو: ۳۴). این روایات بین عدد ۵ تا ۱۰ متغیر هستند و به گونه‌های متفاوتی که بالغ بر ۱۰ گونه است، نقل شده‌اند که تردید بین ۵ و ۷ و ۹ یکی از انواع آن‌هاست. به طور مشخص گونه‌های روایات تردید عبارتند از: تردید بین ۵ و ۷، ۵ یا ۷ یا ۹، ۶ و ۷، ۶ یا ۷ یا ۹، ۷ و ۸، ۷ و ۹، ۷ و ۱۰، ۷ یا ۸ یا ۹، ۷ یا ۸ یا ۱۰، ۹ و ۱۰ (همو: ۳۴-۴۳).

۴. استناد در شمار یاران امام مهدی علیه السلام به این که آن حضرت با هر وزیری یک سال خواهد بود که بر اساس آن می‌توان از شمار سال‌های حکومتش شمار وزیرانش را دانست، بدون دلیل و مدرک است.

۵. ابن عربی در دو جای دیگر احتمال یک نفر بودن وزیر امام مهدی علیه السلام را نفی نمی‌کند که این با حصر شمار ایشان بین پنج تا نه منافات دارد:

الف) وزیران امام مهدی علیه السلام اگر بیش از یک نفر باشند، بیش از نه نفر نخواهند بود؛ چرا که در باب مدت اقامت مهدی علیه السلام تردید رسول خدا صلی الله علیه و آله به پنج یا هفت یا نه منتهی شد^۱ (ابن عربی، بی‌تا: ج ۳، ۳۳۱).

ب) اگر وزیر امام مهدی علیه السلام یک نفر باشد در آن یک نفر همه نیازمندی‌های وی گرد آمده است^۲ (همو).

۶. چنان که گفته شد، ابن عربی در ادامه سخنانش با تکیه بر کشف و شهودی که برایش رخ می‌دهد، به نه تا بودن وزیران امام مهدی علیه السلام تأکید کرده، ولی این سخن هم با حصر تعداد ایشان بین ۵ تا ۹ و هم با احتمال یک نفر بودن ایشان منافات دارد.

۷. ایشان در بیان تعداد وزیران امام مهدی علیه السلام هم به حدیث نبوی صلی الله علیه و آله تمسک جسته و هم به کشف و شهود خود اعتماد نموده است و این به نوعی تناقض در استناد ایشان به هنگام دریافت معارف است.

گفتنی است ابن عربی از عرفایی است که در مسیر کسب معرفت به مسئله کشف و شهود بسیار اهمیت می‌دهد و بارها^۳ مانند مسئله وزیران امام مهدی علیه السلام به آن استناد می‌کند. از این

۱. ان كانوا اكثر من واحد فما يكونون اكثر من تسعة فانه اليها انتهى الشك من رسول الله صلی الله علیه و آله في قوله خمسا او سبعا او تسعا في اقامة المهدى (همو: ۳۳۱).

۲. فان كان واحدا اجتمع في ذلك الواحد جميع ما يحتاج اليه (همو: ۳۳۱).

۳. برای مطالعه بیشتر در زمینه مکاشفات ابن عربی، نک: «مکاشفه در اندیشه ابن عربی»، دوفصل‌نامه کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، ش ۲۳ پاییز و زمستان ۱۳۹۰.

رو اشاره‌ای مختصر به دیدگاه وی در این باب و نقد آن خالی از لطف نیست .
ابن عربی بیشترین اهتمام را به مسئله معرفت و مکاشفه داشته است. او معرفت خداوند و صفات او را به دو طریق ممکن می‌داند:

راه اول، راه استدلال و فکر است. این راه از یک سو در معرض خطاست و شک و شبهه در آن راه دارد؛ و از سوی دیگر، عقل هرگز نمی‌تواند از شاهد به غایب استدلال معتبری داشته باشد. فکر از راه دلیل و برهان به خدا نمی‌رسد؛ بلکه فقط می‌داند که او هست (ابن عربی، بی‌تا: ج ۱، ۹۲).

راه دوم، راه کشف است که علم حاصل از آن، ضروری است. این علم هرگز در معرض شک و شبهه نیست و همواره راهی روشن، سالم و مورد وثوق است (همو: ۳۱۹).

محمی‌الدین - همانند دیگر عرفا - بر این نکته پای می‌فشارد که طریق کشف و عیان، بر طریق استدلال و برهان ترجیح و تفضیل دارد و علم کشفی را علمی ضروری و غیرقابل شبهه می‌داند. البته ممکن است انسان در حالت کشف، استدلال هم نصیبش شود؛ چنان که محمی‌الدین می‌گوید:

یکی از دوستان ما (ابو عبدالله بن کتانی) گفته است که در کشفش، هم دلیل به او عطا می‌شود و هم مدلول. (همو)

اما از نگاه عارفان صحت و بطلان و ارزش کشف و شهود را در مرحله نخست باید با میزان تعالیم کتاب و سنت و شریعت محمدی ﷺ (آقانوری، ۱۳۸۷: ۱۳۱). جالب این که ابن عربی نیز در فتوحات بر این اصل تأکید می‌کند. او می‌گوید:

اما [التزام به] میزان شرعی [این‌که] اگر خداوند علمی از علوم الهی را به تو ارزانی داشت، ما غیر از او را در آن میزان معتبر ندانیم. پس اگر عالم به شرع هستیم در آن بنگریم و الا از محدثانی که عالم به شریعت‌اند سؤال کنیم.^۱ (ابن عربی، بی‌تا: ج ۳، ۸)

باز ابن عربی در کتاب مشهور دیگر خود *فصوص الحکم* می‌گوید:

همان طور که خواب به رویاهای آشفته (اضغاث احلام) و غیر آن تقسیم می‌شود، همچنین آن چه در بیداری دیده می‌شود تقسیم می‌شود به امور حقیقی محض که در نفس الامر واقع می‌شود و به امور خیالی صرف که یا شیطانی محض است یا شیطان آن را

۱. فاما المیزان الشرعی فهو ان الله اذا اعطاك علما من العلوم الالهيه لامن غيرها فاننا لانعتبر الغير في هذا الميزان فننظر في الشرع ان كنا عالمين به و الاسالنا المحدثين من علماء الشرايع ... (ابن عربی، بی‌تا: ج ۳، ۸).

با امور حقیقی درآمیخته تا عارف، رأی را گم کند. بنابراین سالک نیازمند مرشدی است که او را ارشاد نموده و از مهلکه‌ها نجات بخشد... پس برای یافتن فرق بین امور حقیقی و خیالی موازینی است که ارباب ذوق و شهود به حسب مکاشفات خود آن را می‌شناسند... از آن موازین یکی که میزان عام باشد همان قرآن و حدیث است که مبتنی بر کشف تام محمدی صلی الله علیه و آله است.^۱ (قیصری رومی، ۱۳۷۵: ۱۰۰-۱۰۱).

با توجه به نکات گفته شده، روشن نیست که کشف و شهود ابن عربی در باب شمار وزیران امام مهدی علیه السلام از قبیل کدام یک از مکاشفات و مشاهدات عرفانی است. از قبیل امور حقیقی یا خیالات شیطانی. در دفاع از ابن عربی شاید بتوان گفت که این کشف و شهود مستند به همان حدیث نبوی منقول از ابی سعید خدری است ولی در جواب باید گفت که این سخن زمانی سودمند است که در حدیث تردیدی نباشد و به صراحت بر عدد ۹ تأکید کند. به علاوه این که به نظر می‌رسد این حدیث که به صورت مردد بین ۵ و ۷ نیز نقل از همین راوی از ابی سعید خدری نقل شده است همان روایت معروف ابی سعید خدری درباره مدت حکومت امام عصر علیه السلام باشد که صراحت در عدد ۷ دارد (ورمزیار، ۱۳۹۲: ۲۷). بنابراین اگر این روایات را به روایت معروف ابی سعید نیز برگردانیم باز افاقه‌ای به حال ابن عربی نخواهد کرد. تازه این استناد - بر فرض تصریح به عدد ۹ - در صورت قوت سند و نبود معارض جا دارد، ولی چنان که گذشت هم این حدیث ضعیف است و هم معارض‌های جدی و فراوانی دارد.

ویژگی‌های وزیران امام مهدی علیه السلام از دیدگاه ابن عربی

الف) ویژگی‌های شخصیتی

۱. الهی بودن: له رجال الهیون یقیمون دعوتہ و ینصرونہ ہم الوزراء له یحملون اثقال المملکة و یعینونہ علی ما قلده الله... (ابن عربی، بی تا، ج ۳، ۳۲۷).
۲. برگزیدگان الهی: ان الله یستوزر له طائفة فی مکنون غیبه (همو: ۳۲۸).
۳. اهل کشف و شهود: اطلعهم کشفاً و شهوداً علی الحقائق و ما هو امر الله علیه فی عبادہ (همو).

۴. عارفان (عالمان به غیب): و هم العارفون الذین عرفوا ما ثم (همو).
۵. برخورداری از نصرت الهی: من اسرار علم وزرائه الذین استوزرهم الله له قوله تعالی «وکان

۱. کشف و شهود و حیانی حضرت رسول صلی الله علیه و آله که نزد عرفا بالاترین مراتب کشف است

حقا علينا نصر المؤمنين» (همو).

۶. وفاداران نسبت به عهد الهی: و هم على اقدام رجال من الصحابة «صدقوا ما عاهدوا الله عليه».

۷. اهل ذکر و یاد خدا: فاعطاهم الله فى هذه الایة «و كان حقا علينا نصر المؤمنين» (روم: ۴۷) التى اتخذوها هجيرا (دَیدن و دأب و عادت) و فى ليلهم سميرا (کار و ورد شب) علم الصدق حالا (همو).

۸. تعلیم یافتگان خدا: فاعطاهم الله ... علم الصدق حالا و ذوقا (همو).

۹. استقامت و ثبوت قدم در راه حق: و الصادق من الفريقين لا ينهزم جلة واحدة بل لا يزال ثابتا حتى يقتل او ينصرف من غير هزيمة و على هذه القدم وزراء المهدي (همو: ۳۲۹).

۱۰. واسطه حصول علم به خدا برای امام مهدی علیه السلام: فهذا القدر يحصل للمهدي من العلم بالله على ايدى وزرائه (همو).

ب) ویژگی‌های اجتماعی سیاسی

هدایت و رهبری مؤمنین: ... و على هذه القدم وزراء المهدي و هذا هو الذى يقررونه فى نفوس اصحاب المهدي فوزرائه الهداة و هو المهدي (همو: ۳۲۹).

افزون بر این، ابن عربی در فتوحات مکیه وجود نه صفت و ویژگی حکومتی را در وزیران امام مهدی علیه السلام ضروری می‌داند. او می‌گوید:

در برپا داشتن [حکومت] مهدی و همه نیازهایش که وزیرانش عهده‌دار آن‌اند، نه چیز است نه بیشتر و نه کمتر و آن‌ها عبارت‌اند از: نفوذ بصر، شناخت خطاب خداوند هنگام القای آن، علم ترجمه از طرف خدا، تعیین مراتب کارگزاران، رحمت در حال غضب، نیازهای فرمانروا از روزی‌های محسوس و معقول، علم به تداخل امور که تنها در جهان و در زمان خود به آن نیاز دارد، نهایت تلاش و کوشش در برآوردن نیازهای مردم، و آگاهی بر علم غیب که فقط در جهان و در مدت محدودی به آن نیاز دارد.^۱ (همو: ۳۳۲)

ابن عربی در ادامه به طور مفصل، ضرورت و کاربردهای این ویژگی‌ها را نیز بیان

۱. و جميع ما يحتاج اليه مما يكون قيام وزارت به تسعة امور لا عاشر لها و لا تنقص عن ذلك و هي نفوذ البصر و معرفة الخطاب الالهى عند الالتقاء و علم الترجمة عن الله و تعيين المراتب لولاية الامر و الرحمة و الغضب و ما يحتاج اليه الملك من الارزاق المحسوسة و المعقولة و علم تداخل الامور بعضها على بعض و المبالغة و الاستقصاء فى قضاء حوائج الناس و الوقوف على الغيب الذى يحتاج اليه فى الكون فى مدته خاصة فهذه تسعة امور لا بد ان تكون فى وزير الامام المهدي عليه السلام ان كان الوزير واحدا او وزرائه ان كانوا اكثر من واحد.

کرده و می‌گوید:

۱. دید نافذ برای این که دعوتش به سوی خداوند نسبت به دعوت شده به سویی... با بصیرت باشد که در چشم هر دعوت شده از دعوت شدگان بنگرد و هر آن چه را که امکان پاسخ گرفتن از سوی او به آن وجود دارد بشناسد و او را به آن دعوت کند... (شناخت نیاز مخاطب) (همو).

۲. و شناخت خطاب خداوند در هنگام القای آن که در این سخن خداوند تعالی است: «وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكْلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا» (شوری: ۵۱) « (دریافت صحیح دستورات الهی - از راه درست دریافت کند) (همو).

ابن عربی در ادامه به تفصیل در مورد این سه گونه ارتباط با خداوند می‌پردازد. ۳. علم ترجمه و بیان از طرف خداوند مخصوص هر کسی است که خداوند در القا و وحی با او سخن گوید، بنابراین ترجمه و بیان، غیر از حروف گفته یا نوشته شده‌ای است که آن‌ها را ایجاد می‌کند و تنها روح آن صورت‌ها گفتار خداوند است... (درک صحیح دستورات الهی) (همو).

۴. تعیین مراتب کارگزاران، آن علم به مصالحی است که هر مرتبه استحقاق و شایستگی آن را دارد و برای آن آفریده شده است. دارنده این علم کسی را می‌خواهد به کار بگمارد در نفس او دقت می‌کند و میان او و میان آن مرتبه را با هم می‌سنجد، آن گاه وقتی که وزن آن‌ها را هم اندازه مشاهده کرد، بدون ترجیح آن مرتبه بر والی و ترجیح والی - زیان نمی‌زند. در این صورت او را به کار می‌گمارد و اگر کفه مرتبه بر والی ترجیح داشت، او را به کار نمی‌گمارد... (شایسته‌سالاری) (همو: ۳۳۳).

۵. مهربانی در حال خشم. آن تنها در حدود شرعی و تعزیر است و غیر از آن فقط خشم بدون مهربانی است... انسان وقتی برای خودش خشمگین می‌شود، در آن غضب هیچ رحمت و مهربانی نیست، ولی وقتی برای خدا خشمگین می‌شود، خشم او خشم خداست و خشم خدا از مهربانی و رحمت الهی خالی نیست که با آن آمیخته است... مهدی علیه السلام فقط برای خدا خشمگین می‌شود، از این رو در خشم خود از اقامه حدود شرعی فراتر نمی‌رود، (عدالت محوری) (همو).

۶. نیاز فرمانروا به علم ارزاق. لازمه آن شناخت اصناف عالم است و آن‌ها دو صنف است و مقصود من جهانی است که حکم این امام علیه السلام در آن جاری است و آن عالم صورت‌ها و عالم

نفس‌های تدبیرکننده این صورت‌هاست.

ابن عربی در ادامه ارزاق را به معنوی و مادی (محسوس) تقسیم می‌کند و می‌گوید:

ارزاق معنوی - یاد خدا و ... - والاترین و بالاترین رزق‌هاست ... و امام مهدی علیه السلام تنها حق حکم کردن درباره بقیة الله - مقصود از بقیة الله روزی‌هایی است که خداوند برای بندگان حلال کرده است - از رزق‌های محسوس را دارد. (علم به رزق افراد). (همو: ۳۳۳)

۷. علم تداخل امور در یکدیگر... پس هنگامی که امام علیه السلام آن را بداند در احکامش شبهه‌ای بر او وارد نمی‌شود و این ملاکی است که در جهان در معانی و محسوسات قرار داده شده است و عاقل در هر دو جهان بلکه در هر چیز که حق تصرف دارد با ملاک و میزان تصرف می‌کند... پس آن چه از راه تنزیل الهی است امام باید بداند و آن چه را که از راه قیاس است باید بیان کند و مهدی علیه السلام قیاس را برای حکم کردن به آن نمی‌داند بلکه برای اجتناب از آن می‌داند. بنابراین مهدی علیه السلام حکم نمی‌کند مگر بر اساس آن چه فرشته از طرف خدا بر او القا می‌کند ... (علم تمییز امور) (همو: ۳۳۵).

۸. نهایت تلاش و کوشش در برآوردن نیازهای مردم به طور ویژه بر امام واجب است نه بر همه مردم؛ چرا که خداوند او را فقط برای تلاش در مصالح مردم به امامت ایشان نصب کرده است و او را بر آنان مقدم داشته است ... (تلاش‌گر و خستگی‌ناپذیر بودن) (همو: ۳۳۶).

۹. آگاهی بر علم غیب که فقط در جهان و در مدت محدودی به آن نیاز دارد... پس از آن امام برای امامتش به چیزی نیاز ندارد. توضیح آن این است که خداوند درباره خودش خبر داده است که هر روز در شأنی است «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» و شأن آن چیزی است که در آن روز جهان بر آن است ... ولی این امام به شئونی که خداوند می‌خواهد آن‌ها را ایجاد کند قبل از وجودشان از طرف خداوند آگاه است ... اگر برای رعیتش سودمند باشد، خدا را شکر می‌کند ... و اگر با فرستادن بلای همگانی یا برای شخص معینی در آن عذاب است، از خداوند برای ایشان دعا و شفاعت و تضرع می‌کند (همو: ۳۳۷).

این‌جا ممکن است سؤالی در ذهن خواننده ایجاد شود که لازم است به آن پاسخی درخور داده شود؛ چرا این عربی این ویژگی‌ها را منحصر در نه دانست و از کجا به ماهیت و مصادیق آن‌ها پی برد؟

به نظر می‌رسد از آن‌جا که او وزیران حضرت را نه نفر دانست که امام مهدی علیه السلام با هر وزیری یک سال خواهد بود و هر سال ویژگی‌های خاص خود را خواهد داشت، قائل به وجود نه ویژگی

برای ایشان شده است.

او می گوید:

هر وزیر یک سال با او می ماند. بنابر این اگر پنج نفر باشند، پنج سال حکومت می کند و اگر هفت نفر باشند، هفت سال حکومت می کند و اگر نه نفر باشند، نه سال حکومت می کند؛ زیرا هر سال حالت های مخصوص به خود دارد و علم به اصلاح امور در آن سال مخصوص به یکی از وزیران اوست، آن ها کمتر از پنج نفر و بیشتر از نه نفر نیستند. (همو: ۳۲۹)

اما این که ابن عربی چگونه به مصادیق این ویژگی ها پی برده است، گویا باز مستند به حدسی از سوی اوست؛ زیرا فی الجمله در وزیران یک دولت چنین ویژگی هایی باید وجود داشته باشد، ولی ممکن است کسی ویژگی های بیشتری در اداره امور توسط وزرا لازم بداند و در ویژگی برشمرده ابن عربی مناقشه کند. او آن جا که به قول خود در مقام کشف و شهود یکی از اهل الله و خواص باری تعالی به نام احمد بن عقاب را می بیند می گوید:

من به وی گفتم: ... فانی علیم بما یحتاج الیه وزیره. (همو: ۳۳۱)

مصادیق وزیران امام مهدی علیه السلام از دیدگاه ابن عربی

ابن عربی در این بخش معتقد است وزیران امام مهدی علیه السلام از اولاد عجم هستند، گرچه به عربی تکلم می کنند. به نظر می رسد این سخن او متکی به احادیث باشد. او می گوید:

و هم من الاعاجم ما فیهم عربی لکن لا یتکلمون الا بالعربیة (همو: ۳۲۸)

شاید بتوان از کلام علامه مجلسی رحمته الله برداشت کرد که روایت امیر المؤمنین علیه السلام درباره یاران امام مهدی علیه السلام آن جا که ایشان را عجم می خواند، اشاره به وزیران عجمی باشد که ابن عربی مدعی آن است.

علامه مجلسی رحمته الله پس از نقل سخن بالا از ابن عربی می گوید:

بلکه آن چه از خطبه امیر مؤمنان علیه السلام در باب اخبار امام قائم علیه السلام آن جا که می گوید: «کأنی أسمع صهيل خيلهم وطمطمة رجالهم» استفاده می شود این است که ایشان (اصحاب امام مهدی علیه السلام) به فارسی سخن می گویند؛ چرا که طمطمة در لغت به معنای لغت عجمی است. (مجلسی، ۴۸: ۳۰۵)^۱

۱. و فی الفتوحات المکیة فی الباب السادس و الستین و ثلاثمائة أن وزراء المهدی علیه السلام من الأعاجم ما فیهم عربی لکن لا یتکلمون إلا بالعربیة لهم حافظ لیس من جنسهم انتهى. بل المستفاد من خطبة أمير المؤمنين فیما يتعلق بإخباره

در پاورقی شرح فصوص الحکم قیصری، استاد جلال الدین آشتیانی رحمته الله علیه به ابن عربی نسبت می‌دهد که او قائل به وزارت حضرت عیسی علیه السلام است:

قال الشيخ الاكبر في الفتوحات في باب وزراء المهدي: منهم العيسى عليه السلام (قیصری رومی، ۸۵۲: ۱۳۷۵)

سرانجام وزیران امام مهدی علیه السلام از دیدگاه ابن عربی

ابن عربی می‌گوید:

و يقتلون كلهم الا واحدا منهم في مرج عكا. (ابن عربی، بی‌تا: ج ۳، ۳۲۹)

سرانجام جزیکی از ایشان در مرج عکا - از سواحل شام (یا قوت حموی، ۱۳۹۹: ج ۲، ۴۳) - همگی به شهادت می‌رسند.

انعکاس وزیران امام مهدی علیه السلام در روایات شیعه و اهل سنت

در برخی روایات شیعه به وجود وزیر امام مهدی علیه السلام در کنار حضرت در ابتدای قیام ایشان تأکید شده است:

عن جابر الجعفی عن أبي جعفر عليه السلام يقول: ... ثم يخرج من مكة هو ومن معه الثلاثمائة و بضعة عشر يباعدونه بين الركن والمقام، ومعه عهد نبی الله ورايته وسلاحه ووزيره معه، فينادي المنادي بمكة باسمه وأمره من السماء. (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۶۴، ح ۱۱۷)

در روایتی دیگر از وزیری نام می‌برد که جزء ۳۱۳ تن از اصحاب معروف حضرت است:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عليه السلام عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ حَتَّى يَسْتَخْرِجَ مِنْ قِبَائِهِ كِتَابًا مَحْنُومًا بِخَاتَمٍ مِنْ ذَهَبٍ عَهْدٌ مَعَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَيُجْفِلُونَ عَنْهُ إِجْفَالَ الْغَمِّ الْبُكْمِ فَلَا يَبْقَى مِنْهُمْ إِلَّا الْوَزِيرُ وَ أَحَدَ عَشَرَ نَقِيبًا كَمَا يَقُولُ مَعَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام فَيَجُولُونَ فِي الْأَرْضِ وَ لَا يَجِدُونَ عَنْهُ مَذْهَبًا فَيَرْجِعُونَ إِلَيْهِ وَ اللَّهُ إِيَّيَ لَأَعْرِفَ الْكَلَامَ الَّذِي يَقُولُهُ لَهُمْ فَيَكْفُرُونَ بِهِ. (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۷۲، ح ۲۵)

در برخی روایات نیز حضرت عیسی علیه السلام به عنوان وزیر ایمن (دست راست) حضرت معرفی

عن القائم عليه السلام حيث يقول فيها و كأنى أسمع صهيل خيلهم و طمطممة رجالهم أنهم يتكلمون بالفارسية قال فى البحار الطمطممة اللغة العجمية و رجل طمطمى فى لسانه عجمة أشار عليه السلام بذلك إلى أن عسكرهم من العجم انتهى. (مجلسی: ج ۴۸، ۳۰۵)

شده است که دست کم بر وجود یک وزیر دیگر کنار ایشان تأکید دارد (کورانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۵۳، ح ۳۶۱؛ بحرانی، بی تا: ج ۷، ۹۳).

در منابع اهل سنت نیز می توان اشاره ای به این مطلب یافت.

در یکی از روایات، سید بن طاووس از ابن حماد، اقتدای حضرت مسیح به حضرت مهدی علیه السلام در نماز را بیان می کند. در این روایت آمده است که مسیح خطاب به مهدی علیه السلام می گوید: خودتان پیش نماز اصحابتان شوید، من به عنوان وزیر [شما] مبعوث گردیده ام و امیر نیستم. در این هنگام مسلمین با امام خود نماز می گزارند و فرزند مریم علیها السلام به آن حضرت اقتدا می کند (ابن طاووس، ۱۴۱۵: ۱۷۴، ح ۲۳۵).
در روایتی دیگر این گونه آمده است:

عن محمد بن الحنفیة قال: إن الكوفة دار هجرة مرتين قال: قلت: وكيف ذاك؟ قال: كانوا وزراء أمير المؤمنين وأنصاره، وسيكونون وزراء المهدي وأنصاره؛ (تستری، بی تا: ج ۱۳، ۳۸۳)
از محمد بن حنفیه روایت شده که گفت: همانا کوفه جایگاه دو هجرت است. [راوی می گوید:] پرسیدم: و آن چگونه است؟ فرمود: اهل کوفه وزیران امیرالمؤمنین علیه السلام و انصار ایشان بودند و وزیران و یاران امام مهدی علیه السلام نیز خواهند بود.

حلبی از علمای اهل سنت نیز در این باره می گوید:

وقد ذكر بعضهم (علماء) أن أهل الكهف كلهم أعجم ولا يتكلمون إلا بالعربية وأنهم يكونون وزراء المهدي؛ (حلبی، ۱۴۰۰: ج ۳۰، ۱)
گرچه این نظر عده ای از علماست، ولی ظاهر آن است که مستند به احادیث و روایات است؛ چون این تعبیر به نوعی پیش گویی است و نمی تواند صرفاً سخن علما باشد.

نتیجه گیری

درباره ضرورت وجود وزیر در هر دولتی از جمله دولت کریمه امام زمان علیه السلام با ابن عربی هم عقیده ایم؛ ولی آن چه از ابن عربی در باب وزیران امام مهدی علیه السلام پذیرفته نیست، تأکید بر تعداد و ویژگی هایی است که ظاهراً مستند به احادیث ضعیف و گاه متکی به کشف و شهود اوست. طریقه کشف و شهود حتی از منظر ابن عربی نیز در صورتی پذیرفته است که موافق با آموزه های دینی بوده و دست کم با آن مغایرتی نداشته باشد. مسئله وزیران امام مهدی علیه السلام در روایات شیعه و اهل سنت نیز انعکاس یافته و در آن ها به برخی ویژگی ها و مصادیق ایشان اشاره شده است.

منابع

- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۶ق)، *الملاحم والفتن*، اصفهان، مؤسسه صاحب الامر علیه السلام.
- ابن عربی، محمد بن علی بن محمد (بی تا)، *الفتوحات المکیه*، لبنان، دار صادر.
- آقانوری، علی (۱۳۸۷ش)، *عارفان مسلمان و شریعت اسلام*، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ اول.
- انوری، حسن (۱۳۸۱ش)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران، انتشارات سخن.
- بحرانی، سید هاشم بن سید سلیمان (بی تا)، *غایه المرام*، تحقیق: سید علی عاشور، بی جا، بی نا.
- بستوی، عبدالعظیم (۱۴۲۰ق)، *الموسوعة فی احادیث المهدی الضعیفة والموضوعة*، بیروت، دار ابن حزم، چاپ اول.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۳ق)، *سنن الترمذی*، بیروت، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- تستری، سید نور الله بن سید شریف الدین (بی تا)، *احقاق الحق وازهاق الباطل*، قم، منشورات مکتبه المرعشی النجفی.
- حلبی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۰ق)، *السيرة الحلبیة*، بیروت، دار المعرفة.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۹۹ق)، *معجم البلدان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت - دمشق، دارالقلم - الدارالشامیة، چاپ اول.
- سبحانی نیا، محمدتقی (پاییز ۱۳۸۸ش)، «نظریه تغییر و تأثیر آن در زمینه سازی ظهور»، فصل نامه مشرق موعود، سال سوم، شماره یازدهم.
- صدر، سید محمد (۱۳۸۲ش)، *تاریخ غیبت کبری*، ترجمه: سید حسن افتخارزاده، تهران، نیک معارف، چاپ دوم.
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین وتمام النعمة*، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه، چاپ دوم.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تحقیق و تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمية، چاپ اول.
- غریب حسینی، زهرا؛ محمد صادق بصیری، محمدرضا صرفی، ناصر محسنی نیا (۱۳۹۰ش)،

- «مکاشفه در اندیشه ابن عربی»، دوفصل نامه کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۳.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم، نشر هجرت، چاپ دوم.
 - فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم، مؤسسه دارالهجرة، چاپ دوم.
 - قیصری رومی، محمد داوود (۱۳۷۵ش)، شرح فصوص الحکم، بی جا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 - کورانی عاملی، علی (۱۴۱۱ق)، معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامية.
 - مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
 - موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۷۷ش)، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم.
 - ورمزیار، مصطفی (۱۳۹۲ش)، «مدت حکومت امام زمان علیه السلام»، فصل نامه پژوهش های مهدوی، سال دوم، شماره ۶.

